

یادداشت

دکترروح... قاسمیان اعضوهیات علمی دانشگاه



صهیونیست‌ها چگونه بازی را باخته‌اند؟

نخست‌وزیر رژیم اشغالگر قدس روزهای سخت و طاقت‌فرسایی

را سپری می‌کند و تلاش وی برای روایتگری معکوس از آنچه در اراضی اشغالی می‌گذرد با شکست مواجه شده است. طی روزهای اخیر بسیاری از تحلیلگران و استراتژیست‌های صهیونیست، نقش وی را در غافلگیری تاریخی تل‌آویوپررنگ و غیرقابل انکارقلمدادکرده‌اند.نشریه‌هاآرتص، پیشفرض‌های نادرست ذهنی و امنیتی نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی را عامل اصلی محاسبات پریسک و جبران‌ناپذیر وی در قبال

نوار غزه و کرانه باختری دانسته است.

سامی کوهن، مدیر تحقیق در مرکز تحقیقات بین‌المللی مدرسه عالی علوم سیاسی پاریس در مطلبی در روزنامه لوموند، شکست اطلاعاتی و میدانی سنگین صهیونیست‌ها در مواجهه با حماس را انعکاس شکست راهبردی تل‌آویو دانسته که مسبب اصلی آن جز شخص بنیامین نتانیاهو و البته انتخاب‌های سیاسی او نیست. اکنون، نتانیاهو از یک سو تلاش می‌کند با اتکا به رسانه‌های غربی و شبکه‌های تبلیغاتی گسترده که در اختیار صهیونیست‌هاست، توصیف نامتوازن و دروغینی از صحنه نبرد ارائه دهد اما چنین‌دو پیشفرض ثابت در سطح منطقه‌ای و جهانی، بازی تبلیغاتی نتانیاهووهمرهاش را بابحران مواجه ساخته است؛ نخست این‌که حتی محافل امنیتی رژیم اشغالگر قدس نیز نسبت به شکست عملیاتی، اطلاعاتی و میدانی تل‌آویو در عملیات طوفان الاقصی اذعان کرده‌اند.

دوم این‌که با توجه به جنایات مکرر رژیم صهیونیستی علیه ساکنان غزه و سوءسابقه آنها در یهودی‌سازی قدس و شهرک‌سازی‌های غیرقانونی، مظلوم‌نمایی صهیونیست‌ها راه به جایی نمی‌برد. جمعیت این دو مولفه، آینده تاریک و رو به زوالی را برای تل‌آویو رقم زده است. در این معادله، دیگر نمی‌توان از ظهور و بروز احزاب و جریانات سیاسی در اراضی اشغالی (به مثابه راه‌حل صهیونیست‌ها برای گذار از بحران) سخن گفت زیرا جنس بحران‌های ایجادشده در رژیم صهیونیستی، کاملاً زیربنایی و معطوف به اضمحلال بنیان‌ها و ثوابت راهبردی در این رژیم نامشروع تلقی می‌شود. به عبارت بهتر، ما با بحرانی روبنایی با سیاسی در اراضی اشغالی‌آزورآزمایی دو حزب با جریان خاص در تل‌آویو مواجه‌نستیم، بلکه‌بامجادال‌ای‌روبه‌روهستیم‌که‌موجودیت و مناسبات کلان قدرت در رژیم صهیونیستی را به چالش کشیده است. تنفس مصنوعی لابی‌های سیاسی و رسانه‌ای غرب به کابینه‌چندگه نتانیاهو‌یا حتی مخالفان وی (افرادى مانند گانتز و لیبرمن) نیز نمی‌تواند منجر به نجات نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی و دیگر سیاستمداران این رژیم منحوس شود. شکست مطلق، تنها گزاره‌ای است که مصداق این ظهور و بروز کاملی در اراضی اشغالی پیدا کرده و در آینده نیز شاهد تکثیر و تکرر این نماد‌ها خواهیم بود.

نگاه

اکبر معصومی |تحلیلگر روابط بین الملل

آن سوی

طوفان الاقصی



شکستی که رژیم صهیونیستی از

عملیات طوفان الاقصی متحمل

شد در طول ۷۵ سال گذشته و در

حیات نحس این رژیم بی سابقه بوده است. تحلیل این موضوع

نشان می‌دهد که رژیم صهیونیستی دچار شکست‌های غیرقابل

ترمیم شده است که ابعاد آن را می‌توان در حوزه‌های امنیتی،

سیاسی، اقتصادی واجتماعی مشاهده کرد.

تمرکز بر عملیات طوفان الاقصی نشان می‌دهد که حماس اقدام

بسیار بزرگ و راهبردی را انجام داده است وزریم صهیونیستی‌را به

نوعی کیش و مات کرده است. اقدام بی‌نظیر حماس در طراحی

واجرائی عملیات طوفان الاقصی به اندازه‌ای مهم و تاثیرگذار در

معادلات منطقه بوده است که تصور می‌شود رژیم صهیونیستی

دیگرتواند به‌آیدال‌های خود در سرزمین‌های اشغالی فکر کند.

رزمندگان فلسطینی در اقدام خود، یک رویکرد تاسیسی را ایجاد

کردند ووارد ادبیات منطقه کردند که برای همیشه ثبات و آرامش

صهیونیست‌ها را از بین ببرد. به این معنی که حماس برای اولین

بار توانست رفتار روند‌های تدافعی را به رویکرد تهاجمی تبدیل

کند و اقدام و عملیات در خارج از نوار غزه و در داخل سرزمین‌های

اشغالی اتفاق افتاد. دقت در این مسأله نشان می‌دهد که رژیم

صهیونیستی و به تبع آن ارتش این رژیم همواره تلاش کردند

جنگ و ناامنی‌های صورت‌گرفته در منطقه را از بیرون از مرزهای

این رژیم تعریف کنند. اقدام رزمندگان فلسطینی عادی سازی

روابط اسرائیل با اعراب که در ایستگاه ریاض متوقف شده بود،

را دچار ابهام کرد. جایگاه مقاومت را در منطقه افزایش داد،

یکپارچگی مقاومت را بر همگان آشکار ساخت و در نتیجه ترس

و هراس را در سرزمین‌های اشغالی برای همیشه ماندگار کرد. از

بین رفتن هیمنه امنیتی و اطلاعاتی رژیم صهیونیستی مسأله

دیگری است که پس از ه‌های مثبت این مسأله به منطقه و تاثیر

منفی آن در رژیم صهیونیستی بسیار مهم‌تر از دیگر تاریخ ارزنده

طوفان الاقصی است.

خبر

جوبایدن در سفر به تل‌آویو نشان داد که در اسرائیل، نه هممان، بلکه میزبان صهیونیست‌هاست. او در برخورد با مقامات شکست خورده اسرائیل ماننددردی رفتار کرد که دست‌نوازش بر سر فرزندان جنایتکار خود می‌کشد و سعی می‌کند جرایم آنها را بی اهمیت نشان دهد.

بایدن اما در این سفر به جای کمک به حل مسأله فلسطین و تلاش برای کاهش حجم خشونت صهیونیست‌ها علیه مردم بی دفاع غزه، سعی کرد تا صورت مسأله را پاک کند. او پیشنهاد کرده، نیمی از مردم

آزمون مقاومت مصر

غزه به مصر رفته و در ازای آن، بدهی‌های مصر به جوامع جهانی بخشیده شود! این پیشنهاد، تکرار همان بحران اخراج فلسطینی‌ها به اردوگاه‌های اردن است که هنوز هم باعث شمرساری جهان اسلام بوده و نمادی از ضعف دولت‌های غربی در برابر فلسطین است. بایدن می‌خواهد با طرح جدید خود، عملاً اراضی باقیمانده از غزه را تقدیم صهیونیست‌ها کرده و مردم فلسطین را آواره مصر کند. رسانه‌های عربی مدعی شده‌اند که قاهره با این پیشنهاد مخالفت

فراמתن دیدار بایدن و نتانیاهو همزمان با جنایت جدید صهیونیست ها در غزه را بررسی کرده ایم

ملاقات در باتلاق خون

از اصرار صهیونیست‌ها به خویشتنداری خودداری کرده است. در یک محیط سیاسی بیش از حد گرم میان صهیونیست‌ها و اعضای دولت بایدن، بلندترین صداها در آمریکا آتپهایی بوده‌اند که خواستار اقدامات افراطی علیه حماس هستند.

اما این دقیقاً زمانی است که واشنگتن باید قاعدتا منطقی‌تر با موضوع برخورد کند! تهاجم قریب الوقوع غزه یک فاجعه انسانی، اخلاقی و استراتژیک خواهد بود. این نه فقط به‌شدت به امنیت بلندمدت اسرائیل آسیب می‌رساند و هزینه‌های انسانی غیرقابل‌تصورى را بر فلسطینیان تحمیل می‌کند، بلکه منافع اصلی آمریکا را در خاورمیانه، اوکراین و در رقابت واشنگتن با چین در سر نظم هند و اقیانوس آرام تهدید می‌کند. اکنون فقط دولت بایدن – که اهرم‌های بی نظیر آمریکا و حمایت نزدیک کاخ سفید از امنیت اسرائیل را به نمایش گذاشته است – می‌تواند اسرائیل را از انجام یک اشتباه فاجعه بار باز دارد اما شاهدیم که چنین عقلانیته در آمریکا وجود ندارد.

حمله حماس) عملیات موفقیت‌آمیز طوفان الاقصی) مجموعه مقروضاتی را که وضعیت موجود بین اسرائیل و غزه را در حدود دو دهه تعریف کرده است، تغییر داد.

در سال ۲۰۰۵، اسرائیل به‌طور یکجانبه از نوار غزه خارج شد اما به اشغال واقعی خود پایان نداد. کنترل کامل مرزها و حریم هوایی غزه را حفظ کرد و به اعمال کنترل شدید (در همکاری نزدیک با مصر) از خارج از محدوده امنیتی بر جابه‌جایی مردم، کالاها، برق و پول غزه ادامه داد. حماس سال ۲۰۰۶ پس از پیروزی در انتخابات پارلمانی، قدرت را به دست گرفت و در سال ۲۰۰۷ پس از تلاش نافرجام تحت حمایت آمریکا برای جایگزینی این گروه با تشکیلات خودگردان فلسطین،

سیاست‌های دولت او را عامل تشدید تنش فعلی می‌دانند. از این رو، باتوجه به وضعیت فعلی در داخل رژیم صهیونیستی و معرفی وی به‌عنوان عامل اصلی شکست فعلی و شرایط بحرانی آن در مواجهه با مقاومت فلسطین، باید گفت پس از پایان نبرد فعلی در سرزمین‌های اشغالی، پرونده نتانیاهو به‌عنوان یک بازیگر فعال در رژیم صهیونیستی برای همیشه بسته خواهد شد. کنار رفتن نتانیاهو از صحنه، می‌تواند شرایط رژیم صهیونیستی به‌عنوان یک بازیگر منطقه‌ای را نیز دچار تغییر و آن را به یک بازیگر تقریباً خنثی تبدیل کند. در چنین شرایطی ابزار حمایت بایدن از یک کابینه شکست خورده (به جای مهار بازی وی در معادلات نبرد) بدترین و پرهزینه‌ترین خطای ممکن از سوی رئیس جمهور آمریکاست.

انتقاد صریح فارین افروز را بایدن

پایگاه فارین افروز، در تحلیل خود نسبت به آنچه در نوار غزه می‌گذرد، نتوانسته نگرانی خود را بابت عملیات زمینی احتمالی رژیم اشغالگر قدس کمشان کند. این نشریه می‌نویسد: حمله زمینی اسرائیل از لحظه‌ای که حماس به محدوده امنیتی اطراف نوار غزه نفوذ کرد، اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسید. واشنگتن به‌طور کامل از طرح‌های اسرائیل حمایت کرده به‌ویژه این‌که سرزمین‌های اشغالی، سال‌هاست که روی آرامش را به خود ندیده و صهیونیست‌ها مدت‌هاست که خواب راحت ندارند. کابوس‌های مقامات صهیونیست، پایان ندارد و هر چند وقت یک‌بار در قالبی جدید سراغ‌شان می‌آید. گاهی در قالب حملات گروه‌های مقاومت، گاهی در مقابل ناامنی‌های امنیتی، موقعی در قالب حملات سایبری و گاهی به شکل بی‌هویتی و مهاجرت معکوس صهیونیست‌ها از سرزمین‌های اشغالی اما از زمان تشکیل دولت جدید نتانیاهو در زمستان سال گذشته، کابوس جدیدی برای صهیونیست‌ها ایجاد شد و آن عمیق‌تر شدن شکاف‌ها در داخل سرزمین‌های اشغالی بود که صهیونیست‌ها را درآستانه جنگ داخلی قرار داده است. تا قبل از طوفان الاقصی، هفته‌ای نبود که هزاران صهیونیست در اعتراض به عملکرد کابینه نتانیاهو و وزیران تندرو این کابینه به خیابان‌ها نایند و آشوب به پا نکنند. اکنون هم که از تجمعات خبری نیست، نه این‌که مشکلات آنها پایان یافته بلکه با مشکل بزرگ‌تری روبه‌رویند که مجبور به کنار گذاشتن مشکلات کوچک‌تر شده‌اند. با این حال، اخبار و گزارش‌ها حاکی از آن است که مشکلات نتانیاهو پایان نیافته و فشارها برای کنار گذاشتن او به‌ویژه پس از عملیات طوفان الاقصی، افزایش یافته است.

دلایل انتقادات فعلی از نتانیاهو

به‌دنیال عملیات طوفان الاقصی از سوی گروه‌های مقاومت و شکست بزرگ رژیم صهیونیستی در این عملیات، گزارش‌ها از ایجاد اشتقاق و دودستگی در بین مقامات صهیونیست و قرارگرفتن دولت این رژیم در معرض فروپاشی حکایت دارد. مهم‌ترین دلایل انتقادات فعلی از نتانیاهو را باید از این قرار عنوان کرد:

الف) نتانیاهو پرای تشکیل دولت جدید خود مجبور به ائتلاف با برخی گروه‌های بسیار تندرو شد و برخی از این چهره‌های تندرو در حدود یک سال گذشته با رفتار خود باعث تشدید تنش‌ها در سرزمین‌های اشغالی شده‌اند. از جمله این افراد، بن گوئیر، وزیر امنیت داخلی رژیم صهیونیستی است که بسیاری، اقدامات تنش‌زای او را در هتک حرمت مسجد الاقصی، عامل اصلی جنگ فعلی می‌دانند.

بدون شک یکی از اصلی‌ترین اهداف رژیم اشغالگر قدس از بمباران بیمارستان معمدانی در نوار غزه، ایجاد هراسی مزمن در ساکنان نوار غزه با هدف تخلیه این منطقه (با هدف آغاز عملیات زمینی در نوار غزه) است. دیدبان حقوق بشر اروپا ـ مدیرانه اعلام کرد، ارتش رژیم صهیونیستی به اندازه یک چهارم بمب هسته‌ای در نوار غزه بمب رها کرده است. فارغ از نبرد رژیم صهیونیستی با مقاومت اسلامی فلسطین (حماس)، آنچه در نوار غزه جریان دارد، نسل‌کشی گسترده مردم فلسطین است.

کارشناسان معتقدند که صهیونیست‌ها با ارتکاب جنایت جنگی گسترده در این منطقه قصد دارند مردم غزه را مجبور به ترک وطن و کوچ اجباری به سمت مصر یا اردن کنند. مقاومت و پایداری مردم غزه حاکی است، آنها قصد دارند به هر قیمتی در سرزمین مادری خود بمانند و اجازه ندهند صهیونیست‌ها برای همیشه باریکه غزه را از نقشه‌های جغرافیایی حذف کنند. زمان صدور بیانیه و دعوت طرف‌های منازعه به خویشتنداری پایان یافته و کشورهای اسلامی باید میان عزت مقاومت و ذلت سکوت در برابر جنایت‌های صهیونیست‌ها یک‌گزینه را انتخاب کنند.



کرده اما بیم آن می‌رود که واشنگتن با ابزار تهدید و فشار بخواهد این پیشنهاد وقاحت‌بار را اجرایی کند. فرجام چنین اقدامی، خشم دوباره فلسطین و جبهه مقاومت خواهد بود که دود آن به چشم آمریکا و دست‌پرورده‌های صهیونیست کاخ سفید و نیز دولت‌های همراه خواهد رفت. دولت‌های عربی باید یک‌بار برای همیشه به این فهم برسند که مسأله فلسطین با پول حل نمی‌شود و بهتر است به‌جای ولخرجی پرتودلارهایشان، کمی غیرت و ایستادگی از خود نشان دهند.



درس‌های ماجراجویی گذشته را موخته و اکنون به حفظ حاکمیت خود در غزه راضی است! در همین شرایط بود که تل‌آویو شهرک‌سازی‌های غیرقانونی خود را در کرانه باختری بسط داد اما به‌نظر می‌رسد همه این محاسبات (از سوی آمریکا و رژیم صهیونیستی) اشتباه بود.

کوری عکاسش کوری دیگر می‌شود!

بی‌شک اعلام حمایت مطلق بایدن نسبت به جنایات صهیونیست‌ها در غزه برای واشنگتن بدون هزینه و تبعات نخواهد بود! او (بایدن) قطعاً از این پس مسئول هرگونه پاسخی مشروع، قانونی و محکمی خواهد بود که در پاسخ به حمایت از نسل‌کشی کودکان غزه، علیه آمریکا و مواضع واشنگتن در خاک این کشور یا منطقه صورت خواهد گرفت. این انتخاب خود بایدن است!

دلخوری متحدان

از سوی دیگر گرچه الان بایدن در حمایت از جنایت صهیونیست‌ها به سرزمین‌های اشغالی می‌آید و سایر سران اروپایی نیز با سفرهای خود به منطقه، خود را در جنایات صهیونیست‌ها شریک می‌دانند اما هیچ‌کس نیست که فراموش کرده باشد تا چند وقت قبل، سیاست‌های افراطی دولت نتانیاهو باعث اختلافات شدیدی میان او و برخی متحدانش از جمله آمریکا شده بود.

اکنون هم با وجود حمایت تمام قد کشورهای غربی از جنایات آمریکا، باتوجه به اقدامات و سیاست ماه‌های اخیر نتانیاهو در سرزمین‌های اشغالی و همچنین تشکیل کابینه راستگرای افراطی توسط وی، دولت‌های غربی و آمریکا، نتانیاهو و سیاست‌های دولت او را عامل تشدید تنش فعلی می‌دانند. از این رو، باتوجه به وضعیت پیش آمده در داخل رژیم صهیونیستی و معرفی وی به‌عنوان عامل اصلی شکست فعلی و شرایط بحرانی آن در مواجهه با مقاومت فلسطین، باید گفت پس از پایان نبرد فعلی در سرزمین‌های اشغالی، پرونده نتانیاهو به‌عنوان یک بازیگر فعال در رژیم صهیونیستی برای همیشه بسته خواهد شد.

کنار رفتن نتانیاهو از صحنه، می‌تواند شرایط رژیم صهیونیستی به‌عنوان یک بازیگر منطقه‌ای را نیز دچار تغییر و آن را به یک بازیگر تقریباً خنثی تبدیل کند.

این مسائل باعث شده بر اساس اطلاعات دریافت شده از یک منبع، نتانیاهو از سوی صهیونیست‌ها تحت فشارهای شدیدی قرار گیرد. به گفته این منبع، در حال حاضر نیروهای امنیتی در سرزمین‌های اشغالی معتقدند سیاست‌هایی که از سوی نتانیاهو و یوسی کوهن، رئیس قبلی موساد دنبال شد، زمینه تقویت بیش از پیش گروه‌های مقاومت را ایجاد کرد. در همین زمینه نیروهای امنیتی رژیم صهیونیستی ادعا دارند که سهل انگاری نتانیاهو و کوهن درباره نقش آفرینی قطر در نوار غزه باعث تقویت گروه‌های مقاومت شده است.

همین مسائل باعث شده در همین مدتی که از جنگ اخیر می‌گذرد، روزنامه هآرتص، دو بار در گزارش‌هایی خواستار برکناری فوری بنیامین



نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم موقت صهیونیستی شود. هآرتص در مطلبی نوشت: «نتانیاهو برای نخست‌وزیری مناسب نیست. او نباید حتی یک روز دیگر در موقعیت خود بماند. نه فردا و نه هفته بعد، او باید الان برود».

همچنین نتایج یک نظرسنجی جدید در اراضی اشغالی حاکی از این است

که بیش از نیمی از شرکت‌کنندگان برکناری نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی

را خواستار بوده و شکست در نبرد طوفان الاقصی را بزرگ‌تر از شکست در

جنگ اکبر می‌دانند. نتایج این نظرسنجی نشان می‌دهد ۴۴ درصد

ساکنان اراضی اشغالی بر این باورند که عملیات طوفان الاقصی در واقع

شکستی برای سران سیاسی رژیم صهیونیستی بوده است. همچنین

۹۴ درصد شرکت‌کنندگان، کابینه نتانیاهو را مسئول فروپاشی ساختار

دفاعی در غلاف غزه دانستند. نتایج این نظرسنجی نشان می‌دهد

۵۹ درصد آنها به توان کابینه نتانیاهو در مدیریت جنگ فعلی اطمینان

نداشت، ۵۲ درصدشان خواستار برکناری یوآو گالاتنت، وزیر جنگ

رژیم صهیونیستی بوده و ۵۶ درصد نیز برکناری نتانیاهو را

خواستار شدند.

نتانیاهو، بلکه در آینده‌ای بسیار نزدیک شاهد واکنش قاطعانه جبهه مقاومت نسبت به این

جنایت خواهیم بود. بازنده این معادله، تل‌آویو و حامیان آن (مخصوصاً آمریکا و اتحادیه اروپا)

خواهند بود. ساعت صفر در سرزمین مادری فلسطینیان دیگر فرارسیده و جایی برای تنفس

مسموم صهیونیست‌ها باقی نگذاشته است. خودکشی صهیونیست‌ها در جنایت بیمارستان

معمدانی، آثار و تبعات عمیقی بر معادلات منطقه بر جای خواهد گذاشت. این آثار و تبعات،

قطعاً به سود جبهه و گفتمان مقاومت خواهد بود.

پاشنه آشیل صهیونیست‌ها

در چنین شرایطی محور مقاومت همپای مبارزان کرانه باختری و مسلمانان جهان منتظر «ساعت صفر» و ایجاد جبهه علیه صهیونیست‌ها در شمال سرزمین‌های اشغالی است. به عبارت بهتر، جنایت تمام‌عیار صهیونیست‌ها در به خاک و خون کشیدن صدها کودک و زن در بیمارستان معمدانی، به پاشنه آشیل تل‌آویو تبدیل خواهد شد. نه تنها این جنایت منتهی به ترک غزه توسط ساکنان این خاک مقدس نمی‌شود، بلکه در آینده‌ای بسیار نزدیک شاهد واکنش قاطعانه جبهه مقاومت نسبت به این جنایت خواهیم بود. بازنده این معادله، تل‌آویو و حامیان آن (مخصوصاً آمریکا و اتحادیه اروپا) خواهند بود. ساعت صفر در سرزمین مادری فلسطینیان دیگر فرارسیده و جایی برای تنفس مسموم صهیونیست‌ها باقی نگذاشته است. خودکشی صهیونیست‌ها در جنایت بیمارستان معمدانی، آثار و تبعات عمیقی بر معادلات منطقه بر جای خواهد گذاشت. این آثار و تبعات، قطعاً به سود جبهه و گفتمان مقاومت خواهد بود.

